

حروف مقطعه قرآنیه یا فواتح سوره

-۱-

چو من ماهی کلام آرم به تحریر
توازن و القلم - میبوس تفسیر (حافظ)

یکی از خصایص سبک غریب و تألیف بدیع کتاب مجید همانا وجود چهارده حرف از حروف مقطعه الفبائی است که يك یا چند حرف از آنها در سر آغاز بیست و نه سوره قرار دارد و آنها را فواتح سوره - Les Liminaires - نیز گفته اند .

این کلمات مرموز و نهانی هم از ابتداء تاریخ اسلام مورد توجه ارباب نظر قرار گرفته است و در آن سخنها گفته و نوشته اند، تا بجائی که قاضی باقلانی^۱ آنرا یکی از وجوه اعجاز کتاب مبین می شمارد و میگوید : « و كل ذلك يوجب اثبات الحكمة في ذكر هذه الحروف على حد يتعلق به الاعجاز من وجه » . ۲

جدول زیر نشان میدهد اسمی بیست و نه سوره و حروف مقطعه که در ابتدای آنها است :

سور مدنیه		سور مکیه	
۱- البقره	سوره ۲	۱۵- العنكبوت	۲۹ >
۲- آل عمران	» ۳	۱۶- الروم	۳۰ >
۳- الاعراف	سوره ۷	۱۷- لقمان	سوره ۳۱
۴- یونس	» ۱۰	۱۸- سجده	۳۲ >
۵- هود	> ۱۱	۱۹- یس	> ۳۶
۶- یوسف	> ۱۲	۲۰- صاد	> ۳۸
۷- الرعد	> ۱۳	۲۱- المؤمن	> ۴۰
۸- ابراهیم	> ۱۴	۲۲- فصلت	> ۴۱
۹- الحجر	> ۱۵	۲۳- الشوری	> ۴۲
۱۰- مریم	> ۱۹	۲۴- الزخرف	> ۴۳
۱۱- طه	> ۲۰	۲۵- الدخان	> ۴۴
۱۲- الشعرا	> ۲۶	۲۶- الجاثیه	> ۴۵
۱۳- النمل	> ۲۷	۲۷- الاحقاف	> ۴۶
۱۴- القصص	> ۲۸	۲۸- ق	> ۵۰
		۲۹- القلم	> ۵۸

۱ - ابوبکر محمد بن الطیب المصری مولد او البغدادی مسکنا المتوفی ۴۰۳ هـ

۲ - اعجاز القرآن، ص ۴۹ ، طبع قاهره

از مطالعه این جدول و تحقیق در حروف فواتح بیست و نه سوره مذکور چند نکته در نظر گرفته میشود:

۱- اول آنکه کلیه حروف چهارده گانه فواتح سوره بشرح ذیل است ا. ل. م. ر. ص. س. ك. ی. ح. ع. ق. ط. ه. ن.

۲- دوم آنکه درسه سوره به يك حرف ن. ق. ص، وشش سوره به ا. ل. م، وشش سوره به ا. ل. ر، و يك سوره به ا. ل. م. ص، وشش سوره به ح. م، و يك سوره به ح. م. ع. س. ق، (که این هفت سوره را در اصطلاح اهل قرائت «حوامیم» نامند) و يك سوره به ط. ه، و يك سوره به ط. س، و دو سوره به ط. س. م، (که این چهار سوره را نیز «طواسین» نام داده اند)، و يك سوره به ی. س، و يك سوره به ك. ه. ی. ع. ص ابتدا میشود.

۳- سوم آنکه سوری که به حروف مقطعه آغاز میشوند همه در مکه نازل شده اند جز دو سوره البقره و آل عمران که مدنی میباشد.

۴- چهارم آنکه غالب قراء این حروف مقطعه را در صدر هر سوره خود يك آیه از آن سوره بشمار آورده اند، وعلماء تفسیر آنها را جزو متشابهات قرآن میدانند.

۵- پنجم آنکه این حروف مقطعه در مصاحف بسیار قدیم مانند مصحف ابوبکر و ابی بن کعب و ابن مسعود و دیگران عیناً بهمین صورت وجود داشته است.

۶- ششم آنکه غالباً در صد سور پس از ذکر این حروف بلافاصله، در آیه متعاقب آن بتصریح یا با اشاره کل یا جزئی از کتاب الهی نام برده شده است مانند: «ذالك الكتاب»، « تلك آيات الكتاب»، « والقرآن المجید»، « ما انزلنا عليك القرآن لتشقی» وامثال آن.

در تفسیر و تأویل این حروف مقطعه مستقیماً از پیغمبر علیه السلام روایتی و خبری منقول نیست و آنچه در دست است از ائمه و مشایخ روایت شده وغالباً توضیحات و تأویلاتی است که از مقوله حدس ومظنه میباشد تا بجائی که بسیاری از علماء و بزرگان

دین بهتر آن دیده اند که در این باب زبان در کام خاموشی کشند و سخنی نگویند. سیوطی^۱ از قاضی ابوبکر بن العربی آسخنی جامع نقل کرده است که ما را از هر سخن دیگر بی نیاز میکند، وی میگوید: «انه قال ومن الباطل علم الحروف المقطعه فی اوایل السور وقد تحصل لی فیها عشرون قولاً وازید ولا اعرف احداً یحکم علیها بعلم ولا یصل منها الی فهم»

لیکن گروهی دیگر از مفسرین که در رأس آنها امام رازی^۲ قرار دارد در پی حل این مشکل برخاسته و در کشف معانی آن جهد بلیغ نموده اند. همچنین دانشمندان شرق شناس که در این اواخر در قرآن مجید با نظر تحقیق تتبع و تدقیق کرده اند در فهم معانی این حروف بذل هوش و صرف وقت نموده و جز مشتبی سخنان که همه از مقوله تصور و تخمین است چیزی بجای نگذاشته و بکشف قطعی معانی آن موفق نشده اند.

ما در اینجا آنچه از عقاید و آراء متقدمین و متأخرین در دست داشته ایم مجملی گرد کرده ثبت میکنیم:

۱- آنچه از ابن عباس منقول است:^۳

یکی آنکه گفته است: که هر يك از این فواتح رمزی است از کلمات الهیه مثلاً: ا. ل. م برابر است با «انا لله اعلم» و ا. ل. م. ص. با «انا لله الصادق» و ا. ل. ر. با «انا لله اری».

دیگر آنکه گفته است: که از بعضی از این حروف متفرقه اسامی الهی بدست میآید، مثلاً از «الر» و «حم» و «ن» کلمه «الرحمن» استخراج میتوان کرد، و با آنکه گفته است هر يك از این حروف اختصاری است از اسامی صفات یا ذات الهی، مثلاً در کتب بعضی-
ك اشاره است به «الکریم» و هاء به «الهادی»- وی به «الحکیم»- و ع به «العلیم»- و ص به

۱- جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر- الاسیوطی مولدأ والقاهری مسکنا: له نحو ۵۰۰ مصنف - المتوفی سنه ۹۱۱ هـ.

۲- محمد بن عبدالله المافری الاشبیلی المالکی قاضی الاشبیلیه، المصنف فی الحدیث والفقه و التفسیر والادب، المتوفی فی سنه ۵۴۳ هـ، له فی التفسیر «قانون التاویل» و «احکام القرآن».

۳- فخرالدین محمد بن عمر، الامام الفسیر الحکیم المحدث الفقیه، الرازی مولد أوالخراسانی مسکنا، له تصانیف من اجله واعظمه (تفسیر الکبیر)- مات ببهرات فی سنه ۶۰۶ هـ.

۴- الاتقان ج ۲- ص ۱۳

«الصادق» ویا ك. ه. ی. ع. ص برابر است با «كاف هادامین عزیز صادق»
 ۲- دیگر آنکه گفته اند: که هر يك از این حروف مفتاح یا سر آغاز کلمه ای از
 اسامی ذات یا صفات الهی است که آنرا بفرانسه abrégiation گویند. بنابراین آنچه نزد
 اهل قدیم نصاری و مسیحیون در اسکندریه و بیژانس معمول بوده است. و در این باب
 حدیثی از القرطبی^۱ نقل شده که گفت- «الر» اشاره است به «الرحمن». و «الف» از الله و «میم»
 از الرحمن یا الرحیم و «ص» از الصمد اخذ شده است، و یا آنکه - طه - برابر است با
 ذی الطول، و در طسم - ط اشاره است به ذی الطول، و س - به القدوس، و میم - به الرحیم
 یا الرحمان. و هم چنین در - حمعسق - حاء - اشاره است به الرحمان - و ع به العلیم -
 و س به القدوس - وقاف به القادر - و در - ن والقلم - ن اشاره است به النور یا الناصر.
 اینها همه مبتنی بر قاعده ایست که در لسان عرب مانند سایر السنه عبری و سریانی و یونانی
 حرف واحد قائم مقام يك کلمه میتواند شد. و الزجاج نحوی^۲ بر این معنی شواهد
 آورده است و گفته:

العرب تنطق باحرف الواحد تدل به علی الکلمه التي هو منها»^۳

۳- بر روایتی که از سدی رسیده فواتح سور همه اسمهایی چند از اسامی الهی هستند
 که در قرآن متفرق میباشند.^۴

۴- قول کسانی است که گویند در این حروف مقطعه اسم اعظم پنهان است، و کیفیت
 ترکیب اسم اعظم از آن حروف بر آدمیان مجهول میباشد، و روایتی چند در این باب از
 ابن مسعود و ابن عباس در دست است، از آن جمله حدیثی موجود است که علی علیه السلام

۱ - محمد بن کعب القرطبی

۲ - الزجاج، ابواسحاق ابراهیم بن السری النحوی اللغوی من کتبه. (مما فی القرآن) المتوفی سنه ۳۱۱ بغداد

۳ - الاتقان جلد دوم صفحه ۱۴

۴ - الاتقان جلد دوم صفحه ۱۳

در مناجات میفرمود: «یا کهیعص اغفر لی».

۵ - قول کسانی است که این حروف را اسامی قرآن مجید دانسته‌اند، مانند «الفرقان» و «الذکر» و یا آنکه آنها را اسامی همان سور قرآنیه دانسته‌اند که در صدر آن سور واقع شده‌اند.^۱

۶ - قول کسانی است که گویند معانی خاصی برای این حروف نیست بلکه برای افتتاح کلام به نیت تنبیه در اول بعضی از سور قرار گرفته است، چنانکه شعراء عصر در قضاة خود ابتدا به کلمه - بل و بلی و ألا و أما می‌کرده‌اند، و چون کلام الهی شبیه بکلام بشری نیست برای تنبیه حروفی دیگر آورده است که از نوع حروف تنبیه معمول در السنه عالم نمیباشد.

۷ - قول کسانی است که برای معنای آن حروف معنای عددی گرفته‌اند، چنانچه آن حروف را بحساب جمل بشمار آورده‌اند و از مجموع آنها الفاظ و معانی خاصی استخراج کرده و این معنی در حکایت ابویاسر بن اخطب برادر حیی بن اخطب^۲ بروایت از ابن عباس آمده است.^۳

بهمین قیاس بعضی از علماء از آیه «الم غلبت الروم» این کلمات را استخراج کرده‌اند: «ان الیوم المقدس یتفتحه المسلمون فی سنة ثلاث وثمانین و خمسمائة» و آن سالی است که مسلمانان بیت المقدس را از دست صلیبیون بغلبه گرفتند.

۸ - قول کسانی است که گویند این حروف از آن در قرآن ذکر شده تا دلالت کند بر اینکه قرآن از حروف هجائیه ترکیب شده است، بعضی بطور مقطع و بعضی بطور مواف، تا آنکه خلائق بدانند که قرآن با وجودیکه از حروف القیاس از اتیان به مثل آن عاجزند، و از این مقوله است قول قاضی باقلانی^۴ که گوید: «مقصود از این حروف اعلام باین نکته است که کلام الهی از حروف الفبا مرکب شده، زیرا که عدد این حرف ۱۴ است و ۱۴ نصف جمیع حروف میباشد، و نیز از اجناس حروف مانند حروف حلق حروف شفهی و حروف مهموسه و مجهوره و حروف مطبقة و منخفضه و قافله نیمی از هر جنس در این چهارده حرف ذکر شده.»

۱ - الاتقان جلد دوم صفحه ۱۵

۲ - حیی بن اخطب انضری من الیهود، جاهلی من اعداء الاسلام، المسلمون اسروه یوم قریظة ثم قتلوه فی سنة ۵

۳ - الاتقان جلد ۲ صفحه ۱۵ - ۴ - دلائل الاعجاز صفحه ۴۸